

A comparative study of the strategy of resistance of Imami scholars against foreigners; from the Constitutional Movement to the Islamic Revolution

Hossein Mohammadisirat*

Received: 2021/09/13

Saeed Naderi Asl**


Accepted: 2022/04/12

The strategy of resistance against foreigners is one of the courts of Imami political thought and arises from the intellectual principles and general rules of Shiite political jurisprudence. The issue explored in this study is to understand and explain different act of resistance in two historical turning points of contemporary Iran, namely the constitutional movement and the Islamic Revolution. The main question is what agreements and differences in the strategy of resistance of Shiite scholars in the two mentioned periods can be counted? To answer this question, using the method of comparative-historical analysis, which pays attention to the three aspects of causal analysis, attention to time processes and systematic comparison of the weaver, the question was answered in a qualitative research framework in the form of Stuart Mill's comparative analysis model. In the first step, drawing the image of resistance in the two mentioned developments is clear, then the examples of resistance strategy are mentioned and finally the resistance strategy is examined with emphasis on the jurisprudential method of Shiite scholars. In the constitution, resistance has an internal development and is consistent with the resistance of companion piety against tyranny. Lines up against the alien. During this research, it was found that the resistance of constitutional scholars, both legitimate and constitutionalist, was systemic, minimalist, pious, and sought to reform power. Meanwhile, the pattern of resistance of the ulema in the Islamic Revolution has been extra-systemic, maximal and active, non-pious and seeking a change of power.

Keywords: Comparative-historical method, Constitutional movement, Imami scholars, Imami political jurisprudence, Iran's Islamic Revolution, Resistance, Taqiyyah, Uprising.

* Assistant Professor of Political Science, Faculty of Islamic Studies and Political Science, Imam Sadiq University, Tehran, I.R.Iran (Corresponding author).

mohammadisirat@isu.ac.ir

 0000-0002-7998-2937

** Master's student in Political Science, Faculty of Islamic Studies and Political Science, Imam Sadiq University, Tehran, I.R.Iran.

naderiasl@isu.ac.ir

 0000-0001-6313-8937

بررسی تطبیقی راهبرد مقاومت علمای امامیه در برابر بیگانگان؛ نهضت مشروطیت و انقلاب اسلامی

نوع مقاله: پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۶/۲۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۱/۲۳

مقاله برای بازنگری به مدت ۳۹ روز نزد نویسندگان بوده است.

حسین محمدی سیرت*

سعید نادری اصل**

چکیده

راهبرد مقاومت در برابر بیگانگان از اصول اندیشه سیاسی امامیه و برخاسته از مبانی فکری و قواعد عام فقه سیاسی شیعه است. مسئله مورد کنکاش در این پژوهش تحلیل کنش مقاومتی در نهضت مشروطیت و انقلاب اسلامی است. سؤال اصلی آن است که چه اشتراک‌ها و تفاوت‌هایی در راهبرد مقاومت علمای شیعه در دو دوره مذکور وجود دارد؟ برای پاسخ به این سؤال، از روش تحلیل تطبیقی - تاریخی که به سه وجه تحلیل علی، توجه بر فرایندهای زمانی، و مقایسه نظام‌مند بافمنند؛ بهره‌برداری شده است. نتیجه تحلیل حکایت از آن دارد که الگوی مقاومت علمای مشروطه درون‌سیستمی، حداقلی، تقیه‌ای و به دنبال اصلاح قدرت بوده است. این در حالی می‌باشد که الگوی مقاومت علما در انقلاب اسلامی، برون‌سیستمی، حداکثری، غیرتقیه‌ای و به دنبال تغییر قدرت بوده است.

واژگان کلیدی: انقلاب اسلامی ایران، تقیه، روش تطبیقی - تاریخی، علمای امامیه، فقه سیاسی امامیه، قیام، مقاومت، نهضت مشروطه.

* عضو هیأت علمی دانشکده معارف اسلامی و علوم سیاسی، دانشگاه امام صادق علیه‌السلام، تهران، جمهوری اسلامی ایران (نویسنده مسئول).

mohammadisirat@isu.ac.ir

0000-0002-7998-2937

** دانشجوی کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی سیاسی، دانشکده معارف اسلامی و علوم سیاسی، دانشگاه امام

صادق علیه‌السلام، تهران، جمهوری اسلامی ایران.

naderiasl@isu.ac.ir

0000-0001-6313-8937

مقدمه

بیان مسئله: اگرچه جوهره فقه سیاسی شیعه از پایان دوره غیبت صغری تاکنون، نسبتاً مشخص و روشن بوده و روش علمای شیعه، حرکت بر مبنای اصول اساسی میراث امامیه بوده است؛ اما باید توجه داشت که این ارکان طی زمان، تحولاتی را تجربه و تکامل یافته است. دغدغه اصلی پژوهش حاضر ناظر بر نوع رفتار علمای شیعه در مواجهه با تحولات سیاسی و اجتماعی می‌باشد که گاه متفاوت به نظر می‌رسد؛ از تقیه تا اعمال سیاست‌های مقاومتی در برابر بیگانگان.

اهمیت: فهم راهبرد علمای امامیه در برابر بیگانگان یکی از موضوعات مهم در شناخت و تحلیل الگوی مقاومت در سیاست داخلی و خارجی بوده و به شناخت هرچه بهتر این الگو متناسب با مقتضیات زمانی و مکانی کمک می‌نماید؛ بنابراین پژوهش حاضر دارای اهمیت نظری - راهبردی است و می‌تواند از طریق کمک به تدوین این الگو، تقویت نظری و عملی سیاست مقاومت را در پی داشته باشد.

ضرورت: بدفهمی روش به ظاهر متفاوت مقاومت اسلامی علمای شیعه، منجر به تخطئه و نقد عملکرد دسته‌ای از فقها در برابر گروهی دیگر خواهد شد و گروهی به سازش و یا گروهی به تندروی متهم می‌شوند و در نهایت فهم دقیق اصل مقاومت در فقه سیاسی امامیه را مشکل می‌سازد. بر این اساس پژوهش حاضر به دلیل کمک به رفع زمینه‌های این بدفهمی، دارای ضرورت کاربردی می‌باشد.

اهداف: کمک به شناخت و تدوین الگوی بومی مقاومت مستند به اندیشه و عمل علمای شیعه هدف اصلی این پژوهش است. اهداف فرعی نیز عبارت‌اند از: تبیین زمینه‌های تاریخی و فقهی مقاومت در دو دوره مشروطه و انقلاب اسلامی؛ و همچنین تبیین ماهیت یکپارچه و واحد مقاومت در گفتمان شیعی.

سؤال‌ها و فرضیه: پژوهش حاضر فرضیه‌آزما نبوده و اکتشافی است. سؤال اصلی عبارت است از: وجوه اشتراک و تفاوت راهبرد مقاومت علمای شیعه در برابر بیگانگان در نهضت مشروطه و انقلاب اسلامی کدامند؟ در همین رابطه سؤال‌های فرعی عبارت‌اند از: راهبرد مقاومت علمای شیعه در مشروطیت چه بوده است؟ راهبرد مقاومت علمای شیعه در انقلاب اسلامی چه بوده است؟

۱. پیشینه پژوهش

متون مربوط به مقاومت در برابر بیگانگان را می‌توان در دو سطح بررسی نمود:

۱-۱. پیشینه پژوهش در نشریه دانش سیاسی

هر چند در نشریه دانش سیاسی، سه مقاله به صورت کلی مرتبط با موضوع انتخاباتی نویسندگان آمده، لیکن این مقاله‌ها به بررسی تک‌علتی (علت اجتماعی: مرشدی‌زاد، کشاورزشکری، و احمدپور ترکمانی (۱۳۸۹))، تک‌ساحتی (ساحت سنت و تجدد: رهبری (۱۳۸۷)) و تک‌بستری (بستر مشروطیت: افتخاری و جمالزاده (۱۳۸۴)) موضوع پرداخته‌اند که با رویکرد چندبُعدی پژوهش حاضر متفاوتند.

۲-۱. پیشینه پژوهش در سایر منابع علمی

سایر منابع علمی منتشرشده در موضوع مقاومت علمای امامیه را می‌توان با توجه به رویکرد تحلیلی مؤلفان در دو دسته کلی جای داد:

الف. تبیین جداگانه مقاومت علمای امامیه در نهضت مشروطه و یا انقلاب اسلامی: بررسی این دسته از آثار نشان می‌دهد که در برخی موضوع مذکور به عنوان یک پدیده منحصربه‌فرد در یکی از این دو نهضت بررسی شده؛ یا اینکه مقاومت علمای امامیه به عنوان جداگانه و منفک از هم در هر دو این نهضت‌ها به عنوان دو پدیده مختلف بررسی شده است (نک. جدول شماره ۱). با این توصیف، این منابع از حیث رویکردی، متفاوت از پژوهش حاضر هستند.

جدول شماره (۱): منابع مرتبط با تحلیل جداگانه مقاومت در نهضت مشروطه و انقلاب اسلامی

ردیف	نام اثر	نگارنده/گردآورنده	معرفی اجمالی
۱	چهارده قرن تلاش شیعه برای ماندن و توسعه (۱۳۹۱)	حسینیان	حسینیان در این کتاب به توضیح تلاش امامان شیعه و علمایی که نایبان این امامانند اشاره می‌کند. او در تلاش است که نشان دهد چگونه این تلاش‌ها از زمان امامان معصوم تاکنون تحول یافته است.
۲	مشروطه‌خواهی و اجتهاد (۱۳۸۵)	یوسفی اشکوری	یوسفی تلاش می‌کند تا با ترسیم جایگاه علما در جریان نهضت مشروطیت، تفسیر مردم‌سالارانه و

ردیف	نام اثر	نگارنده/گردآورنده	معرفی اجمالی
			غیرمردم‌سالارانه از دین را عامل صف‌آرایی علما در مقابل هم معرفی نماید.
۳	مبانی فقهی انقلاب اسلامی در اندیشه امام خمینی (رحمت‌الله‌علیه) (۱۳۸۹)	ورعی و ناصری	در این اثر پژوهشگران تلاش کردند نشان دهند که اساساً امام خمینی (رحمت‌الله‌علیه) بر مبنای امر به معروف و نهی از منکر، گروهی را در ضدیت و بیگانه با اسلام خواند و تلاش نمودند تا بر مبنای قاعده نفی سبیل به مقابله با آنان بپردازند.
۴	بررسی نقش فقیهان شیعه در شکل‌گیری و پیروزی انقلاب مشروطه (۱۳۹۶)	ایزدی اودلو، ازغندی، توسلی رکن‌آبادی و ابطحی	در این پژوهش آمده است که حکومت پادشاهی توسط روحانیت بیگانه خوانده شد. روحانیت ضمن مبارزه با این حکومت مردم را نیز در مبارزه علیه حکومت بسیج نمودند.

(تدوین توسط نویسندگان)

ب. مقایسه بین مقاومت علمای امامیه در نهضت مشروطه و انقلاب اسلامی: این منابع بسیار متنوع می‌باشند که در جدول زیر به آنها اشاره شده است.

جدول شماره (۲): منابع مرتبط با تحلیل مقاومت در مشروطه و انقلاب اسلامی به‌منابه پدیده‌ای واحد

ردیف	نام اثر	نگارنده/گردآورنده	معرفی اجمالی
۱	ایران بین دو انقلاب (۱۳۹۹)	آبراهامیان	نگارنده تلاش می‌کند تا به بررسی علل شکل‌گیری دو انقلاب مشروطه و اسلامی بپردازد. او ضمن تفکیک و برشمردن طبقات اجتماعی، سعی می‌کند تا بر مبنای کنش نیروها و سازمان‌های اجتماعی که خود برمی‌شمرد و علما و روحانیت شیعه را نیز یکی از این سازمان‌ها در نظر می‌گیرد، این دو انقلاب را تبیین کند و درنهایت تضاد منافع این نیروها و اتفاق و اختلاف آنان را مبتنی بر نیازهای شخصی سازمانشان علت اصلی معرفی می‌نماید.
۲	نبرد قدرت در ایران: چرا و چگونه روحانیت برنده	سمیعی	نویسنده در پی آن است که در این اثر توضیح دهد چگونه روحانیت شیعه توانسته است در میان جو روشنفکری لیبرال، راهی برخلاف جدایی دین

ردیف	نام اثر	نگارنده/گردآورنده	معرفی اجمالی
	شده؟ (۱۳۹۸)		از سیاست را پیش گیرد و در نهایت انقلابی را ایجاد نماید که در ضدیت با مسیر جهانی و جو فکری ایران مدرن بوده است.
۳	چالش‌های اجتماعی - سیاسی و علل بروز و آثار آن در انقلاب مشروطه و انقلاب اسلامی (۱۳۹۷)	عظیمی شوشتری و میرچراغ خانی	پژوهشگران با دیدی یکسان به دو پدیده مشروطه و انقلاب اسلامی، چالش‌های همگونی را برای آن دو می‌شناسند که اختلاف بین علمای شیعه و تفاوت‌های دیدگاه دینی آنان موجب گسترش دامنه بیگانه و تعارض‌های آنان با یکدیگر شده است.
۴	روحانیت شیعه و مقایسه سه دهه نقش آن پس از مشروطه و پس از انقلاب اسلامی (۱۳۹۱)	امام جمعه‌زاده، شهرام‌نیا و نجات‌پور	در میانه دو رویداد مهم مشروطیت و انقلاب اسلامی بر اساس عوامل اجتماعی، سیاسی و اقتصادی مختلف، شرایط برای ظهور روحانیت به‌عنوان یک حزب داخلی فراهم شد. به‌گونه‌ای که روحانیت سرانجام با ارائه روایتی از بیگانه، خود را به‌عنوان جایگزینی برای وضع موجود معرفی نماید و در رسیدن به قدرت موفق شود.

(تدوین توسط نویسندگان)

اگرچه بررسی آثار دسته دوم به دلیل دربرگیری رویکرد مقایسه‌ای تا حدودی متضمن دید کامل‌تر تاریخی است، ولی معمولاً مؤلفه‌های موردنظر برای بررسی تطبیقی محدود و اندک می‌باشند و همین امر رویکرد مقایسه‌ای پژوهش حاضر را از این پژوهش‌ها متمایز می‌سازد.

۲. مبانی مفهومی و نظری

با عنایت به اینکه تحدید مفاهیم از اهمیت بالایی در پژوهش‌ها برخوردار است، لذا در این بخش، نخست توضیح مفاهیم اصلی می‌آید:

الف. مقاومت: از حیث لغوی مقاومت بر محور مفهوم «ایستادگی» و از حیث اصطلاحی بر مفهوم محوری «انصراف» دلالت دارد. بدین معنا که مقاومت مجموعه سیاست‌هایی است که بازیگر مقابل را از تهاجم یا استمرار آن باز می‌دارد، از این‌رو

- مقاومت در معنای اصطلاحی دارای دو بعد اصلی است (افتخاری، ۱۳۹۹، ص. ۹۶):
- اول. بُعد سلبی مقاومت که بر محوریت معادله ساده «هزینه — فایده» قرار دارد و افزایش هزینه‌های اقدام بازیگر مقابل را دنبال می‌نماید.
 - دوم. بُعد ایجابی مقاومت که بر محور «تقویت درونی» قرار دارد و بی‌اثر نمودن اقدام بازیگر مقابل را دنبال می‌نماید.
- با عنایت به بررسی تحلیلی نظریه‌ها و تجارب تاریخی مقاومت مشخص می‌شود که عناصر اصلی در شکل‌گیری مقاومت در دوره مشروطه و انقلاب اسلامی عبارت‌اند از: شرایط حاکم بر جامعه و مردم، اهداف و عملکرد بیگانگان، جایگاه حکومت و بالاخره نوع رفتار علما؛ که در این پژوهش به‌عنوان ارکان اصلی نظریه مبنای پژوهشگران مدنظر بوده و مبنای تطبیق را شکل می‌دهند.
- ب. **تقیه:** در لغت تقیه از ریشه «وقی، یقی، وقایه» آمده و به معنی تحفظ و جلوگیری از ضرر به کار رفته است (مرتضی زبیدی، ۱۴۱۴ق، ج ۲۰، ص. ۳۰۴) در اصطلاح به معنی معاشرت نیک با مردم به‌واسطه آنچه می‌شناسند و ترک آنچه نمی‌شناسند به خاطر دوری از کینه‌توزی و فساد است (شهید اول، بی‌تا، ج ۲، ص. ۱۵۵).
 - ت. **قاعده حرمت ولایت جائر:** منظور از ولایت جائر، تصدی امر هدایت و اداره جامعه توسط افرادی است که از سوی خداوند متعال اجازه‌ای برای آنها صادر نشده و ایشان به غضب بر مسند رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) و جانشینان ایشان نشسته‌اند. با این تفسیر حضور در این نظام سیاسی جایز نبوده و حرام می‌باشد (ملک افضلی‌اردکانی؛ عبداللهی و تقیپور، ۱۳۹۷، صص. ۳۸-۷).
 - ث. **قاعده نفی سبیل:** خداوند حکمی را که موجب تسلط و نفوذ کافران بر مسلمانان گردد، جعل نفرموده است؛ بنابراین هر حکم و یا سیاستی که پیاده شدن آن سلطه کفار را در پی داشته باشد، جایز نیست (علیدوست، ۱۳۸۳، صص. ۲۵۳-۲۳۱).
 - ج. **اصل عدم ولایت:** غیر از خداوند متعال هیچ‌کسی بر دیگری (و حتی خودش) تسلط ندارد؛ زیرا همه در عبودیت مساوی هستند و هیچ بنده‌ای بر بنده دیگری که مساوی با اوست، تسلط ندارد (کاشف‌الغطاء، ۱۴۲۲ق، ج ۱، ص. ۲۰۷).
 - چ. **غیریت‌سازی:** شکل دادن دوگانه‌ای از خود و دیگری اساس مفهومی است که به آن

غیرت‌سازی گویند. دیگری در ادبیات امام خمینی (رحمت‌الله‌علیه) در نقش دشمن و بیگانه است (موسوی جشنی، ۱۳۹۲، صص. ۱۵۶-۱۴۵). در غرب این‌گونه است که خودِ غربی را در محور نیکی قرار می‌دهند و دیگری را در محور شرارت و بدی (Saeed, 1978, p. 24). برخی گویند بیگانه زمانی اطلاق می‌شود که گروهی بر مبنای ایدئولوژی یک مبنای مشترک اتخاذ می‌کند و بر آن اساس خود را در مقابل گروه‌های دیگر شناسایی می‌کند (Van Dijk, 2002, p. 2). بر این اساس آنچه می‌توان به دیگری نسبت داد، در واقع هویت دیگر و غیر خودی است که می‌تواند در قالب یک گروه، یک جماعت، یک ملت و یا یک نفر معنی شود و دارای منافع، ایدئولوژی، اهداف و روش متضاد است.

۳. روش پژوهش: تطبیقی تاریخی

با عنایت به اهداف پژوهش، محققان از روش تطبیقی تاریخی استفاده نموده‌اند.

الف. معرفی روش: کارکرد این روش، مقایسه تمایزها و تشابه‌ها دو یا چند پدیده به مثابه هویت‌هایی تاریخی مند می‌باشد؛ این کل‌نگری نقطه مقابل پژوهش تطبیقی کمی است. مهم‌ترین ویژگی‌های این روش که استفاده از آن را توجیه می‌نماید، عبارت‌اند از: یک. موردمحوری: در این روش چند واحد اجتماعی معین و در خلال زمان و یا مقاطع زمانی مشخص مورد مقایسه قرار می‌گیرند (Mahoney, 2003, p. 14).

دو. «بین‌جامعه‌ای بودن» واحد تحلیل: نوع واحدهای تحلیل تابعی از نوع مسئله و موضوع پژوهش است. از حیث نوع داده، داده‌های مورد تحلیل در روش تاریخی تطبیقی، داده‌هایی بین‌جامعه‌ای^۱ هستند. در رویکرد تطبیقی تاریخی از آن حیث که هدف تبیین یک پدیده در زمینه تاریخی معینی است، لذا بایستی فراوانی واحدهای تحلیلی در تناسب با حجم واحدهای انتخابی باشد، به‌گونه‌ای که افزایش حجم واحد تحلیل انتخابی بایستی منجر به کاهش تعداد واحدها شود، تا از پدید آمدن پیچیدگی و اطناب مقایسه‌ها کاسته شود (Ragin, 2000, pp. 52-59).

سه. تعاملی بودن: رویکرد تطبیقی تاریخی، گفت‌وشنود میان نظریه و شواهد تجربی را امکان‌پذیر می‌سازد و منجر به رفع نیازهای نظری در خلال ایجاد مفاهیم جدید مبتنی بر شواهد تجربی می‌شود (Mahoney, 2003, p. 13). باید توجه داشت

از آنجایی که در رویکرد تطبیقی تاریخی، حوادث در زمان خودشان به گونه‌ای مکان‌مند در نظر گرفته می‌شوند، بایستی ملاحظات ساختار زمانی حوادث مدنظر قرار گیرد (Mahoney, 2001, p. 111).

چهار. توان تحلیل فراتاریخی: از مزایای روش تطبیقی تاریخی این است که می‌توان یک واقعه خاص را به مثابه امری فراتاریخی مورد تحلیل علی قرار داد. چنان‌که در پژوهش حاضر تلاش شده مقاومت به عنوان یک پدیده در زمینه تاریخی معین (مشروطه و انقلاب اسلامی) به صورتی فرایندی بررسی شود. در واقع در خلال رویکرد تطبیقی تاریخی، تلاش می‌شود علل شکل‌گیری پدیده‌ها متأثر از فرایندی در نظر گرفتن پدیده، منفک از یکدیگر دیده نشود و به ترکیب‌بندی‌های علی در یک بازه زمانی توجه شود (Mahoney, 2003, p. 11).

ب. کاربری روش: پژوهش حاضر در سه گام به عملیاتی شده است:

گام اول. بررسی شرایط و زمینه تاریخی: در این مرحله تلاش شده است تا به بررسی شرایط و مکان‌مندی مقاومت علمای شیعه در دو بازه زمانی مشروطه و انقلاب اسلامی پرداخته شود. در این بخش ضمن گردآوری و دسته‌بندی داده‌ها، صورتی دقیق از شرایط زمانی ترسیم شده است.

گام دوم. بررسی راهبردهای اتخاذ شده توسط علما: در این مرحله پژوهشگران با کنکاش در منابع تاریخی تلاش کرده‌اند، راهبردهای اتخاذ شده علمای شیعه در دو واحد تحلیل مشروطه و انقلاب اسلامی را شناسایی نمایند و در ضمن توجه به گام نخست به بیان و تفصیل راهبردها بپردازند، تا در نهایت بتوان گام سوم را محقق نمود. در این گام همچنین به بررسی این سؤال که «کدام عوامل نظری و عملی منجر به تحول در سیاست مقاومت در دو دوره مذکور شد؟» نیز پاسخ داده شده است.

گام سوم. تحلیل شباهت‌ها و تفاوت‌ها: در این گام به‌عنوان آخرین تلاش برای فهم راهبرد مقاومت علمای امامیه در برابر بیگانگان، به بیان اشتراک‌ها و تفاوت‌ها پرداخته شده است.

۴. شرایط و زمینه تاریخی نهضت مشروطیت

در این بخش به‌صورت جداگانه به بررسی وضعیت مردم، بیگانگان، حکومت و علما

خواهیم پرداخت و در نهایت الگوی نقش‌آفرینی علما در دو انقلاب معاصر ایران را بررسی می‌کنیم.

۴-۱. مردم

تا پیش از دوران قاجار، مردم که عمده از عشایر و روستائیان بودند (اشرف و بنوعیزی، ۱۳۸۷، ص. ۴۴)، وضعیت خوبی نداشتند. به تدریج وضعیت زارعان اندکی بهتر شد و همزمان با ماجرای تحریم تنباکو هر چند آنان مخالف بودند (مارتین، ۱۳۹۷، صص. ۷۵-۴۱)، اما قدرت سیاسی به دست آوردند. در عصر ناصری بود که بنا بر فرمان «حریت رعیت»، زارعان حق چانه‌زنی با اربابان را پیدا کردند. همچنین در دوران قاجار، علی‌رغم اقتصاد بسته‌ای که در ابتدا وجود داشت با گسترش تجارت خارجی، تجار از نفوذ، دارایی و در نهایت قدرت سیاسی قابل توجهی برخوردار گشتند. این گسترش به این معنا بود که تجار از مایملک فراوانی برخوردار و متأثر از آن، صاحب قدرت فراوان شدند (اشرف، ۱۳۵۹، ص. ۷۴). البته در همین زمان برخی تجار از جهت نبود امنیت و برای در امان ماندن از دزدان و به جهت بهره‌مندی از تعرفه‌های ترجیحی که به نفع تجار تبعه روس و انگلیس در ایران منعقد می‌شد، ترجیح می‌دادند که تحت‌الحمايه دولت‌های استعماری قرار گیرند (سمیعی، ۱۳۹۸، ص. ۱۴۰).

۴-۲. بیگانگان

طی ۲۵ سال دوم حکومت ناصرالدین شاه شاهد جولان بیگانگان. همین زمان یک کلنل روس عنوان می‌کند که انگلیسی‌ها، ایران را همچون مگسی در تار عنکبوت، گرفتار کرده بودند. البته در همین زمان بود که صنایع‌الدوله^۱، توسط دو تبعه روس ترور شد، که بعد این دو تبعه گرفتار می‌شوند ولی در اختیار سفارت روسیه قرار می‌گیرند تا با آنان برخورد شود (سمیعی، ۱۳۹۸، صص. ۱۳۰-۱۲۹). وضعیت استعماری که در دوران قاجار شدت می‌گیرد، به حدی پیش می‌رود که یک سال پس از نهضت مشروطیت، ایران بین روسیه و انگلیس تقسیم می‌شود. کارهای استعماری به حدی منجرکننده بود که یکی از دیپلمات‌های انگلیسی به دخالت روسیه اعتراض کرده و از همراهی انگلستان با روسیه انتقاد می‌کند (کاظم‌زاده، ۱۳۷۱، ص. ۴۷۳).

۳-۴. حکومت

استبداد گویی با قاجار گره خورده بود، هر چند قاجار در برخی موارد که توان کافی نداشت، مجبور به مصالحه می‌شد (مارتین، ۱۳۹۷، صص. ۳۳-۱۸). روند استبداد در عهد ناصری به‌گونه‌ای بود که وقتی میرزای کرمانی، ناصرالدین شاه را ترور می‌کند، مردم او را مورد تجلیل قرار می‌دهند. همچنین قیام ستارخان و باقرخان در تبریز در جریان مقاومتی بود که علیه استبداد حکومت در این شهر شکل گرفته بود. در دوم تیرماه ۱۲۸۷، مجلس به دستور محمدعلی شاه توسط لیاخوف به توپ بسته شد. محمدعلی شاه علی‌رغم همه وعده‌هایی که برای حمایت از مجلس داده بود و حتی برخلاف امضایی که در قرآن درج نمود، چنین رفتاری را با مجلس داشت. او بعدها به بهانه مطالبه شیخ فضل‌الله نوری مبنی بر اسلامی نبودن مجلس، اظهار داشت که دیگر چنین مجلسی ایجاد نخواهد شد (انصاری، ۱۳۸۷، صص. ۲۹۵-۲۹۴).

۴-۴. علما

به منظور شناخت و تحلیل الگوی مقاومت علما توجه به ملاحظات زیر ضروری است:
الف. اصل وابستگی از قدرت حاکم: روحانیت تجربه مهمی را از دوره صفویه کسب کرده و به این اصل رسیده بود که باید از وابستگی به حکومت‌ها پرهیز کند. در این زمان مکتب اصولی که آیت‌الله وحید بهبهانی پایه‌گذاری کرده بود، موجب شد تا ضمن ایجاد رابطه‌ای ضروری میان مقلد و مجتهد زنده، اهتمام بیشتری برای تعلق خمس مال به علما پدید آید. به‌این‌ترتیب، در عصر مشروطیت، علمای وابسته به حکومت برخلاف دوران صفویه، در اقلیت بودند. روحانیون علی‌رغم آنکه اکثریتشان مستقل از حکومت قاجار بودند، اما سهم قابل توجهی از قدرت را در اختیار داشتند (اشرف و بنوعزیزی، ۱۳۸۷، صص. ۵۸-۵۶)؛ همچنین برخی علما در چارچوب اصطلاح «حب الوطن من الایمان»، این‌گونه عمل می‌کردند که ملی‌گرایی بومی (غیر از ناسیونالیسم)، جزئی از گرایش‌های دینی است (قمی، ۱۴۱۴ق، ج ۸، ص. ۵۲۴).

ب. اولویت بخشی به مشروطه: علما برای اجرای شریعت مایل بودند که حکومت از استبدادی به مشروطه تغییر یابد (سمیعی، ۱۳۹۸، ص. ۲۰۶). در کشاکش این دوران علامه نائینی توجیه استبداد به نام دیانت را بدعت و الحاد و ظلم آشکار به اسلام دانسته

و درخصوص استبداد با پوشش دینی هشدار می‌دهد. از نظر او مردم در حکومت اسلامی نقش دارند و خادم حکومت نیستند بلکه حکومت باید در خدمت آنها باشد (گروه پژوهشگر، ۱۳۸۷، صص. ۱۷-۱۰). در همین ارتباط باید به دیدگاه شیخ فضل‌الله نوری نیز اشاره داشت. ایشان اگرچه در ابتدا از حامیان مشروطیت به شمار می‌رفت و تلاش فراوانی نیز برای اثبات حقانیت آن انجام داده بود (پارسانیا، ۱۳۸۸، ص. ۲۷) اما در ادامه به دلایلی از جمله انحراف تفکرات مشروطه‌خواهی، تلاش برخی مشروطه‌خواهان برای جایگزینی قوانین غیراسلامی به جای قوانین اسلامی و نفوذ میان جریان روحانیت و تلاش برای ایجاد اختلاف میان آنان، با ادامه نهضت مشروطه به صورتی که غیرمشروعه می‌خواندند، مخالفت کردند.

۵. شرایط و زمینه تاریخی انقلاب اسلامی

برای تبیین شرایط و زمینه‌های تاریخی انقلاب اسلامی توجه به مؤلفه‌های زیر راهگشا است:

۱-۵. مردم

در سال ۱۹۷۲ هیئتی از سازمان ملل متحد ایران را به نقض حقوق مستمر بشر محکوم کرد و در ۱۹۷۵ نیز عفو بین‌الملل ایران را به داشتن بدترین آمار نقض حقوق بشر متهم کرد (میلانی، ۱۳۸۵، صص. ۲۰۶-۲۰۰). باوجود این نمی‌توان مدعی بود که مردم در این شرایط، وضعیت خوبی داشته‌اند. همچنین در این زمان به دلیل سوءاستفاده‌های مقامات و فساد نظام‌مند، مردم به شدت تحت فشار بودند. وضعیت به قدری برای مردم بد و سخت بود که هویدا عنوان می‌کند که اوضاع هر روز برای مردم سخت‌تر می‌شود (هویدا، ۱۳۶۵، ص. ۱۳۳).

۲-۵. بیگانگان

در این دوره عموماً بیگانگان حکومت را همسوی خود می‌دیدند و گاهی آن را از خود می‌دانستند و هیچ احساس دوگانگی با آن نداشتند؛ به گونه‌ای که یکبار نلسون راکفلر معاون رئیس‌جمهور آمریکا به علم گفت: «باید شاهنشاه را یکی دو سال به آمریکا ببریم که مملکت‌داری به ما بیاموزد» (علم، ۱۳۸۲، ج ۶، ص. ۲۵). این را به خوبی می‌توان درک کرد که چنین تمجیدی از سوی راکفلر از روی خوشحالی ناشی از

همسویی شاه با سیاست‌های آمریکا در منطقه بود، نه ناشی از تیزهوشی و درایت او. پهلوی‌ها به سبب تأسیس و تأیید این نظام توسط بیگانگان به سال ۱۳۲۰، حمایت آمریکا از ایران در مقابل شوروی در سال ۱۳۲۵، اجرای کودتای ۲۸ مرداد و برنامه توسعه ایران، خود را مدیون آمریکا می‌دانستند. همچنین در همین عصر بود که به ازای هر سه نظامی در ارتش تقریباً یک نفر مستشار نظامی وجود داشت و بیش از ۵۶ هزار مستشار نظامی در ایران زندگی می‌کردند (هایزر، ۱۳۹۰، ص. ۵۴). این مستشاران از مصونیت قضایی برخوردار بودند و قانون کاپیتولاسیون به نفع آنها نگاشته شده بود. این قانون پیشتر در طی عهدنامه ترکمنچای، به ایران تحمیل شده بود که در آن زمان نیز، اعتراض‌ها و مخالفت‌هایی را نیز در پی داشت (بهار، ۱۳۷۱، ص. ۱۲۳).

۳-۵. حکومت

محمدرضا شاه از اعتماد به نفس فوق‌العاده‌ای برخوردار بود. او تلاش داشت تا به عنوان محور تمام امور مملکتی قرار بگیرد. مهم‌ترین مؤلفه‌های حکومت پهلوی، اقبال به نوسازی غربی، تقویت وابستگی به قدرت‌های خارجی با هدف افزایش قدرت در منطقه، فساد درباری، تضعیف باورهای اصیل مذهبی و تلاش برای اعمال سلطه بر مردم بود که بعضی وقت‌ها با محاکمه‌های نمایشی برخی از مقامات همراه شده بود (پهلوی، ۱۳۹۹، ص. ۳۴۹).

۴-۵. علما

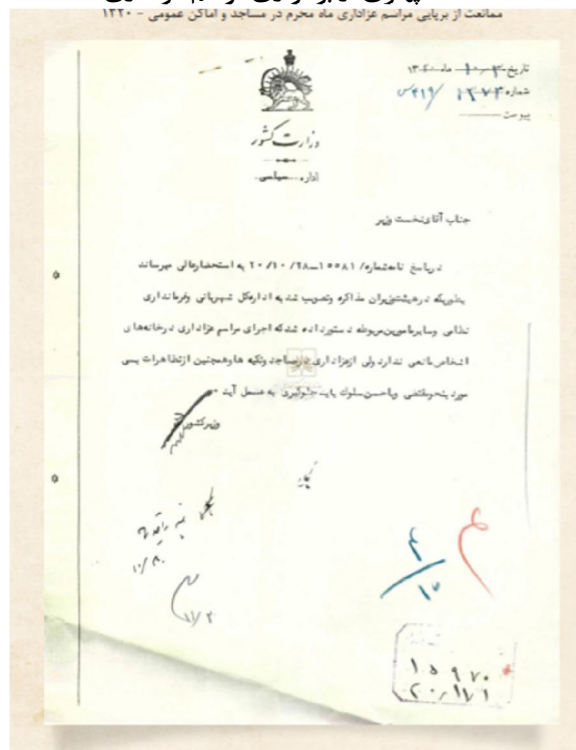
دوران مرجعیت آیت‌الله بروجردی را می‌توان دوران نهادسازی و شبکه‌سازی روحانیت به مرکزیت حوزه علمیه قم دانست. هر چند در این دوره برخی علما همچون مرحوم بروجردی تشخیص داده بودند که مسیر تقیه را پیش بگیرند. همچنین روحانیت اگرچه از بُعد نظری ملی‌گرا نیست ولی در عمل بر استقلال و وطن‌اسلامی تأکید داشتند. همچنین به دلیل وجود اختلافات دینی و مذهبی با دولت‌های استعمارگر خارجی، روحانیت همواره یکی از نیروهای سیاسی مصر بر حفظ استقلال ایران و کوتاه شدن دست اجانب بود (سمیعی، ۱۳۹۸، ص. ۶۷۲). در دوران پهلوی بنا بر اسنادی که مرداد ۱۴۰۰ در سندنامه شماره ۱۴ (نگاه کنید به شکل شماره ۲) ایران منتشر شد، به‌خوبی

بررسی تطبیقی راهبرد مقاومت علمای امامیه در برابر... / حسین محمدی سیرت و سعید نادری اصل دانش‌پایز ۲۲۹

می‌توان مخالفت‌هایی که با برگزاری مراسم عزاداری محرم وجود داشت را مشاهده و درک نمود (بصیرت‌منش، ۱۳۷۶، ص. ۱۴۰). واضح است که در چنین شرایطی علما و روحانیت تا حدودی با این شرایط مخالفت خواهند نمود.

شکل شماره (۱): از اسناد سندنامه شماره ۱۴ در خصوص

ممانعت پهلوی از برگزاری مراسم عزاداری



۶. راهبردهای مقاومت

با عنایت به مستندات تاریخی و ملاحظات بیان شده در بندهای بالا، حال می‌توان راهبرد مقاومت در دو مقطع موردنظر را چنین تبیین نمود:

۱-۶. راهبرد مقاومت منفی علما در عصر مشروطه (تقیه)

روحانیت عصر مشروطه خود را با فناوری وفق داده بود و تلاش داشت تا از آن حداکثر استفاده را ببرد. چنان‌که با بهره‌گیری از فناوری چاپ توانستند رساله «نجات العباد»

شیخ محمدحسن نجفی اصفهانی را به صورت گسترده منتشر نمایند. به همین ترتیب بود که میرزای شیرازی، فتوای مشهور خود در خصوص تحریم تنباکو را از طریق ارسال تلگرام به دست مردم رسانیدند (سمیعی، ۱۳۹۸، صص. ۲۱۵-۲۱۲). در این زمان فقیهی را نمی‌توان یافت که مشروعیتی را برای استبداد قائل باشد. به گونه‌ای که ملامحمدکاظم خراسانی (آخوند خراسانی) معتقد بود که: «فعال ما یشاء و مطلق الاختیار بودن غیر معصوم را هر کس از احکام دین شمارد، لاقلاً مبدع خواهد بود» (آفانجفی قوچانی، ۱۳۷۸، ص. ۵۰). شیخ فضل‌الله نوری نیز با چنین رویکردی و برای حراست قانون‌گذاری اسلامی، اصل دوم متمم قانون اساسی ۱۲۸۶، که منتسب به ایشان است را پی می‌گیرند. در مجموع در این زمان تقیه به عنوان راهبرد اتخاذشده توسط علما پی گرفته شد. هر چند در این زمان آخوند ملامحمدکاظم خراسانی، میرزا خلیل تهرانی و شیخ عبدالله مازندارانی با صدور اعلامیه‌ای محمدعلی شاه و شیخ فضل‌الله نوری را محکوم و مردم را ترغیب به ایستادگی در برابر استبداد کردند (کسروی، ۱۳۸۸، ص. ۵۴۷). لکن این نشان از استمرار روحیه مبارزه‌طلبی علما با استبداد و نفی استبدادی است که میرزای نائینی آن را استبداد دینی نام‌گذاری می‌نماید. البته باید یادآور شد که چنین اعلام مواضعی به معنی خروج از تقیه نبوده، فقط برای اجرای حداقلی شریعت بوده است. چنان‌که متصور علما ساختاری غیرپادشاهی نبوده و تنها این زمان تلاش‌های مبتنی بر اصلاح قدرت بوده است نه تغییر آن. به دنبال چنین رویکردی بود که لحن برخی علما تندتر شد. چنان‌که در یکی از اعلامیه‌های این زمان آمده است که: «الیوم همت در درع این سفاک جبار و دفاع از نفوس و اعراض و اموال مسلمین از اهم واجبات و دادن مالیات به گماشتگان او از اعظم محرمات و بذل جهد و در استحکام و استقرار مشروطیت به منزله جهاد در رکاب امام زمان اروحنا فداه و سرمویی مخالفت و مسامحه به منزله خذلان و محاربه با آن حضرت صلوات الله و سلامه علیه است» (کسروی، ۱۳۸۸، ص. ۷۵۷).

۲-۶. راهبرد مقاومت فعال علمای شیعه در انقلاب اسلامی

در زمان انقلاب اسلامی بحث علما تنها تقابل با استبداد حکومت مستقر نبود. همان‌طور که امام خمینی (رحمت‌الله‌علیه) دائماً در ضمن محکوم کردن رژیم پهلوی، قول

می‌دادند که کشور را از تسلط بیگانه آزاد و رها سازند (آبراهامیان، ۱۳۹۹، ص. ۶۵۶). همچنین امام با حفظ روحیه ضداستعماری در تبعیت از اصل نفی سبیل، رژیم پهلوی را از حامیان رژیم صهیونیستی می‌خواند. در محکومیت ماجرای حمله به مدرسه فیضیه عنوان می‌کنند که حکومت پهلوی، حکومتی مستند و حامی بیگانه است، که تلاش دارد با افزایش فشارها علیه مردم آنان را از عملشان منصرف کند (خمینی، ۱۳۸۹، ج ۱، ص. ۲۶۲). به تدریج امام از تقیه خارج شده و در روز ۱۳ خرداد ۱۳۴۲ در مدرسه فیضیه ضمن آنکه به قدرت و سلطه بیگانگان حکومت اشاره می‌کند، شاه را تهدید می‌کند که باید دست از چنین اعمالی خشنی که پیش گرفته‌است بکشد، تا مردم از او خشمگین نشوند (خمینی، ۱۳۸۹، ج ۱، ص. ۲۴۵). بلاخره امام (رحمت‌الله‌علیه) در ۴ آبان ۱۳۴۳ در اعتراض به لایحه کاپیتولاسیون، شاه را دست‌نشانده بیگانه می‌خواند و از مردم و علما می‌خواهد که به راهبرد تقیه خود خاتمه دهند و در مقابل چنین استبدادی که اصل اسلام را هدف گرفته، مقاومت نمایند (خمینی، ۱۳۸۹، ج ۱، صص. ۴۲۰-۴۱۹). پس از آن بود که امام از ایران تبعید می‌شوند و در مدت تبعیدشان در نجف، نظریه ولایت فقیه را تبیین می‌نمایند و تغییر قدرت و مقاومت را به‌عنوان تنها راه تحقق اسلام پیشروی مردم ایران قرار می‌دهند.

۷. شباهت‌ها و تفاوت‌های دو راهبرد مقاومت

با عنایت به شاخص‌های شش‌گانه ارائه‌شده، می‌توان وجوه شباهت و تفاوت دو راهبرد مقاومت را به شرح زیر تبیین نمود:

۷-۱. شباهت‌ها

شباهت (۱). حضور فعال عنصر «دیانت» در عرصه مقاومت

واکنش‌های مکرر روحانیت به حوادث اجتماعی و به شمار آمدن روحانیون به عنوان رهبران اجتماعی در حوادث مختلفی قابل مشاهده است. شاید از مهم‌ترین این رهبران اجتماعی بتوان به افرادی از جمله میرزای شیرازی در ماجرای تحریم تنباکو، آخوند خراسانی، آیت‌الله طباطبایی، آیت‌الله بهبهانی و شیخ فضل‌الله نوری در نهضت مشروطیت، آیت‌الله کاشانی در نهضت ملی شدن صنعت نفت و بلاخره حضرت امام

خمینی (رحمت‌الله‌علیه) در ماجرای انقلاب اسلامی اشاره کرد. از همین رو می‌توان نقش فعال دین را عرصه‌های اجتماعی و سیاست به خوبی مشاهده نمود. به گونه‌ای که اگر مرحوم نراقی حکومت سلاطین را غیرشرعی می‌دانند و قدرت زیادی را برای علما قائلند (نراقی، ۱۴۱۷ق، ص. ۵۲۹) از همین رو بوده است که دین و سیاست رابطه نزدیک و توأمانی دارند. همچنین پیگیری مسائل ایران توسط میرزای شیرازی که ساکن عراق بودند و بیان دستوراتی دینی درخصوص نحوه تعامل با بیگانگان یکی دیگر از این مؤیدات است. در نهایت مخالفت ایشان نیز با ماجرای انحصار تنباکو، موجب فتوای دینی و تاریخی ایشان درخصوص تحریم تنباکو شد. نگاشت کتاب تنبیه‌الامه و تنزیه‌المله توسط علامه نائینی و نظریه‌پردازی حکومت مشروطه و یا بعدها انجام کارهایی مشابهی توسط برخی علما از جمله شیخ عبدالله محلاتی، از دیگر اقداماتی بوده است که به‌وضوح آشکارکننده حضور دین در عرصه سیاست و اجتماع بوده است. حتی اختلافات بعدی میان رهبران دینی مشروطه نیز اساساً به‌خاطر استنباط‌های فقهی مختلف شکل گرفته بود. این روند در ماجرای حمایت آیت‌الله کاشانی با نهضت ملی شدن صنعت نفت و تلاش برای اثبات دینی و نمایش سلطه بیگانگان (مشابه استدلال‌های فقهی میرزای شیرازی) ادامه می‌یابد. تا آنجا که امام خمینی (رحمت‌الله‌علیه) با توسعه نظریه دینی - فقهی ولایت فقیه و به تاسی از قیام امام حسین (علیه‌السلام)، انقلاب اسلامی را پایه‌گذاری می‌نمایند. در تمام ادوار تاریخی از نهضت مشروطه تا انقلاب اسلامی، نقش خوانش دینی بسیار مؤثر، گسترده و کارآمد بوده است (آبادیان، ۱۳۹۳، صص. ۷۲-۶۳).

شبهات (۲). مبارزه با استبداد و تلاش در حل معضل حکومت‌های فاقد مشروعیت
عموم علما در مسئله مبارزه با استبداد متفق‌النظر و خواهان پایان استبداد بودند. امام خمینی (رحمت‌الله‌علیه) در ابتدای انتقادهای خود علیه حکومت، ابتدا شاه را دعوت به بازگشت به قانون و اجتناب از بی‌قانونی می‌کردند و بعد از آن ایشان چاره را در تغییر حکومت و پایان دادن به سلطنت معرفی نمودند، چنان‌که از استدلال‌ها ایشان در کتاب کشف‌الاسرار نیز می‌توان به این مسئله پی‌برد (نجف‌زاده، ۱۳۹۵، صص. ۳۴۲-۳۳۹). این روند نشان می‌دهد که علمای اسلام موضعی مشخص و سلبی در قبال استبداد

داشتند، موضعی که مرحوم نراقی آن را موجب غیرمشروع بودن حکومت‌ها معرفی می‌نماید (نراقی، ۱۴۱۷ق، ص. ۵۲۹). حتی اصرار مرحوم نائینی به صورت واضح در پایان دادن به استبداد بوده است، چنان‌که حکومت مشروطه از نظر ایشان به معنی پایان استبداد است. ایشان برای پایان دادن به چنین استبدادی و مشروعیت دادن به این حکومت‌ها، پیشنهاد نظارت بیرونی توسط مجلس و علما و تقوای درونی را می‌دهد (گروه پژوهشگر، ۱۳۸۷، ص. ۱۳). چنان‌که امام نیز به مسئله اجازه پادشاه از فقیه جامع‌الشرایط اشاره می‌کنند و مشروعیت حکومت‌ها را در گرو آن قرار می‌دهند (نجف‌زاده، ۱۳۹۵، ص. ۳۳۹).

شباهت (۳). رویکرد غیرآنارشیمیستی

اندیشه سیاسی شیعه، اندیشه‌ای صرفاً سلبی نیست و در آن تنها به مسئله نفی اقتدارهای سیاسی پرداخته نمی‌شود. این‌گونه نیست که تفکر شیعی به دنبال ایجاد فاصله ابدی میان پیروان با اقتدارهای سیاسی باشد. در تفکر سیاسی شیعی ظرفیت پاسخگویی به پرسشی که در اثر یک حضور اجتماعی پدید آید، وجود دارد. با استفاده از همین ظرفیت بود که علمای دینی با حفظ ابعاد سلبی تفکر سیاسی شیعه، حضور فعال مذهب را ابتدا در قالب عدالتخانه و سپس با عنوان مشروطه تئوریزه کردند (پارسانیا، ۱۳۸۸، صص. ۱۹-۲۰). این روند را باید ادامه‌دار دانست و نقش علمای دینی و استفاده از چنین ظرفیتی را در حوادث اجتماعی بعدی از جمله نهضت ملی شدن صنعت نفت و حوادث منتهی به انقلاب اسلامی، براین اساس دانست. به این ترتیب باید یادآور شد که تفکر سیاسی شیعی که در هر دو نهضت مشروطیت و انقلاب اسلامی به خوبی قابل رویت است، برآمده از تلاش علمای دینی برای تغییر و اصلاح قدرت است. همچنین براین اساس می‌توان مدعی شد که تفکر سیاسی شیعه هرگز به دنبال خلأ قدرت نبوده و این رویه به خوبی در دو نهضت یادشده، قابل مشاهده است.

۲-۷. تفاوت‌ها

تفاوت (۱). راهبرد تقیه در نهضت مشروطه و عبور از آن در انقلاب اسلامی

هر چند تا پیش از دوران قاجار و در عصر صفوی روحانیت تا حدودی وابسته به حکومت بود. از همین رو دائماً تلاش می‌شد که راهبرد تقیه برای حفظ اصول اسلام

پیش گرفته شود. اما با آغاز دوران قاجار و کاهش حمایت حکومت از روحانیت، ابتدا تا مدت‌ها قدرت علما کم شد و این کاهش قدرت موجب تقویت راهبرد تقیه برای حفظ نهاد روحانیت بود. از همین‌رو است که شیخ فضل‌الله نوری می‌گوید: «به حکم محکم خلاق عالم - جل اسمه - حفظ بیضه اسلام در قرون و اعصار بر عهده سلطان وقت و نیز علمای اعلام است» (ترکمان، ۱۳۶۲، ج ۱، ص. ۱۵۵). واضح است که راهبرد تقیه در این زمان به‌عنوان راهبرد غالب علمای آن عصر بوده. همه مبارزان با حکومت استبدادی پهلوی که درصدد اخراج بیگانگان و استعمارگران و تغییر قدرت بودند، به‌خوبی به این موضوع پی برده بودند که «تقیه» در مقابل آنان همچون دژی مستحکم است که توجیهی برای عدم ورود علما و مردم به مبارزه بود (درخشه، ۱۳۸۶، ص. ۲۴۳). از همین‌رو بود که امام خمینی (رحمت‌الله‌علیه) پیشتر روحانیون و مبارزین را دعوت به مبارزه علیه حکومت کرده بودند و خطر این حکومت را با خطر که بنی‌امیه برای اسلام داشت، مقایسه کردند. ایشان همچنین از آنان خواستند که از توهم چند حبس و زجر نترسند (سمیعی، ۱۳۹۸، ص. ۵۵۲). به مرور امام بیش‌ازپیش مردم را به واکنش علیه رفتارهای حکومت دعوت می‌کردند تا جایی که ایشان درخصوص لزوم واکنش به اقدامات حکومت می‌فرمایند: «والله، گناهکار است کسی که داد نزند؛ والله، مرتکب کبیره است کسی که فریاد نکند» (خمینی، ۱۳۸۹، ج ۱، صص. ۴۲۰-۴۱۹). این چنین اقداماتی گواه آن است که در زمان انقلاب اسلامی، راهبرد تقیه کنار گذاشته شده بود. از همین‌رو بود که امام خمینی (رحمت‌الله‌علیه) عنوان می‌داشتند که فقهای اسلام در موردی که برای دیگران تقیه است تقیه نکنند، تقیه برای حفظ اسلام و مذهب شود که اگر تقیه نمی‌کردند، مذهبی باقی نمانده بود. ایشان عنوان می‌داشتند که اکنون حیثیت اسلام در خطر است و در این زمان جای هیچ تقیه و سکوتی نیست (درخشه، ۱۳۸۶، صص. ۲۴۳-۲۴۴).

تفاوت (۲). مبارزه درون‌سیستمی مشروطیت و برون‌سیستمی انقلاب اسلامی

جنبش عدالتخانه و بعد از آن نهضت مشروطیت هر دو همان‌طور که از محتوای شعارهایشان در اسامی‌شان پیداست، خواهان تأسیس عدالتخانه و مشروطه‌شدن نظام شاهی بودند. در واقع مسیری که مشروطه‌خواهان دنبال می‌نمودند، مسیری در دل نظام

شاهی آن زمان بود. آیت‌الله خراسانی، طهرانی و مازندرانی به‌صورت مستقیم در پیام‌های خود عنوان می‌کنند که هدف از مشروطیت جلوگیری از ستم به مردم و الهی شدن قوانین است. هر چند در ادامه برخی همچون شیخ فضل‌الله نوری در اسلامی بودن قانون‌گذاری مشروطه، تشکیک کردند. شیخ اسماعیل محلاتی، عنوان می‌داشت در نبودن حکومت امام معصوم، برای آنکه به سلطنت مطلقه مستبدانه گرفتار نشویم، بایستی به سمت سلطنت مشروطه محدود کرده حرکت کنیم و این حرکت در مشروطیت ممکن خواهد بود (حائری، ۱۳۸۷، صص. ۱۲۵-۱۲۲). همچنین سایر علما نیز مشروطه‌خواهی را تنها برای هدف اجرای شرعیت دنبال می‌کردند (سمیعی، ۱۳۹۸، ص. ۲۰۶)، حتی همراهی ابتدایی شیخ فضل‌الله نوری با نهضت مشروطیت و تلاش ایشان برای قانع نمودن علمای نجف و بعد از آن مخالفت با نهضت مشروطه (پارسانیا، ۱۳۸۸، ص. ۲۷) و منسوب نمودن ایشان به حکومت محمدعلی شاه است، می‌تواند گواهی بر درون‌سیستمی بودن مبارزه شکل‌گرفته در نهضت مشروطیت باشد. این در حالی است که اساساً نظریه ولایت فقیه امام خمینی (رحمت‌الله‌علیه) به‌منزله از بین رفتن نظام پادشاهی بود. از نظر امام خمینی (رحمت‌الله‌علیه) حکومت اسلامی بزرگ‌ترین معروف و حکومت طاغوت بزرگ‌ترین طاغوت تلقی می‌شود. از همین رو تمهید درخصوص شکل‌گیری حکومت اسلامی یک شرط واجب خواهد بود (درخشه، ۱۳۸۶، ص. ۲۹۶). ایشان در سایر سخنرانی‌هایشان تأکید دارند که قصد این نهضت پایان دادن به حکومت شیطانی شاه و تشکیل حکومت الهی بر پایه عدل است (خمینی، ۱۳۸۹، ج ۳، ص. ۴۵۵). بنابراین می‌توان ادعا داشت که انقلاب اسلامی، نهضتی برون‌سیستمی و فعال بوده است.

تفاوت (۳). استبدادستیزی مشروطه و استعمارستیزی انقلاب اسلامی

طرفداران هر دو رویکرد موافق مشروطیت و مخالفت مشروطیت بدون مشروعیّت، در اساس وجود مهارتی برای اعمال بی‌حد و حصر قدرت شاه موافقت داشتند (درخشه، ۱۳۸۶، ص. ۸۲). در این زمان بود که علما برای اجرای شریعت مایل بودند که حکومت از استبدادی به مشروطه تغییر یابد. علامه نائینی علت نوشتن کتاب تنبیه‌الامه و تنزیه‌المله خود را آگاه نمودن مردم نسبت به استبدادی که وجود دارد و دعوت مردم

به مبارزه علیه محمدعلی شاه به‌عنوان یک مستبد معرفی می‌کند (حائری، ۱۳۸۷، صص. ۲۳۷-۲۴۵). علامه نائینی در خصوص استبداد با پوشش دینی نیز هشدارهایی را می‌دهند (گروه پژوهشگر، ۱۳۸۷، ص. ۱۷). به‌هرحال آنچه که واضح است و حتی در نام‌گذاری مدت زمان به توپ بستن مجلس توسط لیاخوف تا پایان پادشاهی محمدعلی شاه، تحت عنوان «استبداد صغیر» نیز از آن یاد می‌شود، تأیید وجود استبداد است. حال آنکه اعتراض‌های نخستین و شکل‌گیری جنبش عدالتخانه نیز برای تعدیل چنین حکومتی اساساً شکل گرفته بود. این در حالی است که اساساً بسیاری حکومت مستبد پهلوی را دست‌نشانده بیگانگان می‌دانستند. حتی در همین خصوص امام (رحمت‌الله‌علیه) به محمدرضا شاه هشدار می‌دهند که جوری رفتار نکنند که مردم از اینکه او توسط بیگانگان خلع شود و شخصی جایگزینش شود، خوشحال شوند. مشابه اتفاقی که برای رضا شاه رخ داده بود (خمینی، ۱۳۸۹، ج ۱، ص. ۲۴۵). ایشان همچنین در ضمن محکوم کردن رژیم پهلوی، دائماً به مردم قول می‌داد که کشور را از تسلط بیگانه آزاد سازد (آبراهامیان، ۱۳۹۹، ص. ۶۵۶). امام خمینی (رحمت‌الله‌علیه) حتی در اولین سخنرانشان علیه حکومت وقت، پس از ماجرای فیضیه، جرم شهادت فیضیه را از دید حکومت، شعار علیه اسرائیل عنوان می‌دارند (خمینی، ۱۳۸۹، ج ۱، ص. ۲۶۲)؛ بنابراین به‌صورت واضح می‌توان مدعی شد که مبدأ مخالفت امام خمینی (رحمت‌الله‌علیه) علیه حکومت نه‌تنها استبداد حاکمان که مبارزه با بیگانگانی است که چنین حکومت دست‌نشانده‌ای را ایجاد کرده است.

تفاوت (۴). الگوی اضطراری عدالتخانه و الگوی فعال حکومت اسلامی

نیازهای اجتماعی مسلمین در شرایطی که حاکم عادل باشد، از راه‌های صحیح قابل تأمین است و بنابراین محدودیتی برای آن متصور نیست. اما در مواقعی که حاکم ستمگر و ظالم باشد، مواجهه با این نیازها باید به‌صورت اضطرار و در حد ضرورت باشد. در این موارد لازم است نیازها رتبه‌بندی شود و سپس موارد خیلی مهم و حیاتی (مانند دورکردن سلطه کفار) در دستور کار قرار گرفته و پذیرش ولایت ستمگر و یا همکاری با این حاکم، فقط در این موارد محدود شود (پارسانیا، ۱۳۸۸، ص. ۲۲). در خصوص الگوی عدالتخانه دقیقاً چنین روندی پیش می‌آید. یعنی علی‌رغم آنکه

الگوی عدالتخانه می‌تواند متضمن برخی حقوق برای جامعه اسلامی باشد، لکن اجرای آن متوقف بر پذیرش ولایت جور است. از این رو الگوی عدالتخانه یک الگویی است اضطراری که در پی پاسخ حتی‌المقدور به نیازهای جامعه اسلامی است. اما در مقابل، الگوی انقلاب اسلامی به دنبال تحقق حقوق جامعه اسلامی، و به‌طور صریح نفی کردن ولایت جور می‌باشد و از این حیث «الگویی فعال» ارزیابی می‌شود. تغییر سیاست امام خمینی (رحمت‌الله‌علیه) از سیاستی منفی و مبتنی بر صبر و سکوت؛ به سیاستی فعال بر محور طرح نظریه ولایت فقیه در جریان انقلاب اسلامی، مؤید همین معنا است (پارسانیا، ۱۳۸۸، ص. ۵۶)

نتیجه‌گیری

همان‌طور که در تصویر شماره (۲) قابل مشاهده است، نهضت مشروطیت و انقلاب اسلامی در میان علما با رویکردی اسلامی، غیرآنارشستی و به دور از جدایی دین از سیاست آغاز شده است. هر چند نهضت مشروطیت مصادف با آغاز مبارزه با استبداد بود لکن انقلاب اسلامی، در دوران مبارزه با استعمار آغاز شد. باید توجه داشت که مبارزه درون‌سیستمی و رویکرد تقیه‌ای موجب حداقل‌گرایی نهضت مشروطیت و درنهایت استفاده از الگوهای اضطراری نظیر عدالتخانه شده است. امام در روند و طرح‌ریزی انقلاب اسلامی، علما مسیر مبارزه برون‌سیستمی، غیرتقیه‌ای و حداکثری و فعال را پیش گرفتند که سرانجام به تغییر قدرت و از بین بردن حکومت پهلوی منجر شد.

شکل شماره (۲): مقایسه الگوی مقاومت علمای شیعه در دو دوره مشروطیت و انقلاب اسلامی



(تدوین توسط نویسندگان)

واضح است رهبری و یا تأثیرگذاری علمای در جنبش‌های سیاسی - اجتماعی منجر شده است که اختلاف‌های کنشی عمدتاً ناشی از اختلاف‌های فقهی و استنباطی باشد. یعنی علمایی که مسئولیت رهبری را بر عهده داشتند، متأثر از شناختشان از حکومت و تقابلشان با بیگانه، رویه‌ای را اتخاذ می‌کردند. چنان‌که گاهی این رویه با در نظر گرفتن مصالحی در تقیه پیش خواهد رفت و گاهی به دور از تقیه به صورتی مستقیم به مبارزه علیه بیگانه خواهد پرداخت. همچنین این نکته را نیز باید یادآور شد که رویکردهای فقهی مختلف، ابزار متعددی را به دست می‌دهد از همین رو حداقلی یا حداکثری بودن کنش را نیز معین می‌نماید و در نهایت کنش نهایی، الگوی مقاومت علمای را به ارمغان خواهد آورد. در طی این پژوهش مشخص شد که مقاومت علمای مشروطه اعم از جریان مشروطه‌خواه و مشروطه‌خواه، درون‌سیستمی، حداقلی، تقیه‌ای و به دنبال اصلاح قدرت بوده است. این در حالی است که الگوی مقاومت علمای در انقلاب اسلامی، برون‌سیستمی، حداکثری و فعال، غیرتقیه‌ای و به دنبال تغییر قدرت بوده است.

یادداشت‌ها

1. Cross-Societal

۲. مرتضی قلی خان صنیع‌الدوله (۱۲۳۵-۱۲۸۹ ش)، از رجال سیاسی قاجار و نخستین رئیس مجلس ملی ایران (۱۲۸۵-۱۲۸۶ ش) بوده است.

کتابنامه

- آبادیان، حسین (۱۳۹۳). *تقدیر تاریخی اندیشه در ایران دوره قاجار*. تهران: علم.
- آبراهامیان، یرواند (۱۳۹۹). *ایران بین دو انقلاب*. (احمد گل محمدی و محمد ابراهیم فتاحی، مترجمان). تهران: نشرنی.
- اشرف، احمد (۱۳۵۹). *موانع تاریخی رشد سرمایه‌داری در ایران: دوره قاجاریه*. تهران: زمینه.
- اشرف، احمد و بنوعیزی، علی (۱۳۸۷). *طبقات اجتماعی، دولت و انقلاب در ایران*. (سهیلا ترابی فارسانی، مترجم). تهران: نیلوفر.
- افتخاری، اصغر (۱۳۹۹). *مقاومت در اسلام: نظریه و الگو*. تهران: اندیشه‌سازان نور.
- افتخاری، اصغر و جمالزاده، ناصر (۱۳۸۴). «علمای شیعه در عصر مشروطه و انگاره سلطه غرب»، *نشریه علمی دانش سیاسی*. ۱(۱)، صص. ۶۶-۴۳.
- آقاجنقی قوچانی، سید محمدحسن (۱۳۷۸). *برگی از تاریخ معاصر (حیات الاسلام فی احوال آیت‌الملک‌العلام): پیرامون شخصیت و نقش آخوند ملامحمدکاظم خراسانی در نهضت مشروطیت*. تهران: هفت.
- امام جمعه‌زاده، سیدجواد؛ شهرام‌نیا، امیرمسعود و نجات‌پور، مجید (۱۳۹۱). «روحانیت شیعه و مقایسه سه دهه نقش آن پس از مشروطه و پس از انقلاب اسلامی»، *فصلنامه شیعه‌پژوهی*. ۱۰(۳۹)، صص. ۱۹۰-۱۵۳.
- انصاری، مهدی (۱۳۸۷). *شیخ فضل‌الله نوری و مشروطیت (رویارویی دو اندیشه)*. تهران: امیرکبیر.
- ایزدی اودلو، عظیم؛ ازغندی، علیرضا؛ توسلی رکن‌آبادی، مجید و ابطحی، سید مصطفی (۱۳۹۶). «بررسی نقش فقیهان شیعه در شکل‌گیری و پیروزی انقلاب مشروطه»، *پژوهش‌های انقلاب اسلامی*. ۶(۲۳)، صص. ۲۶-۷.
- بصیرت‌منش، حمید (۱۳۷۶). *علما و رژیم رضاشاه: نظری بر عملکرد سیاسی - فرهنگی روحانیون در سال‌های ۱۳۰۵-۱۳۲۰*. تهران: عروج.
- بهار، محمدتقی (۱۳۷۱). *تاریخ مختصر احزاب سیاسی ایران (ج ۱)*. تهران: امیرکبیر.

- پارسایان، حمید (۱۳۸۸). هفت موج اصلاحات: نسبت تئوری و عمل. قم: مؤسسه بوستان کتاب.
- پهلوی، محمدرضا (۱۳۹۹). پاسخ به تاریخ (متن کامل). (حسین ابوترابیان، مترجم). تهران: زریاب.
- ترکمان، محمد (۱۳۶۲). رسائل، اعلامیه‌ها، مکتوبات و روزنامه شهید شیخ فضل‌الله نوری. تهران: رسا.
- حائری، عبدالهادی (۱۳۸۷). تشیع و مشروطیت در ایران و نقش ایرانیان مقیم عراق. تهران: امیرکبیر.
- حسینیان، روح‌الله (۱۳۹۱). چهارده قرن تلاش شیعه برای ماندن و توسعه. تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- خمینی، روح‌الله (۱۳۸۹). صحیفه امام: مجموعه آثار امام خمینی (رحمت‌الله‌علیه) (بیانات، پیام‌ها، مصاحبه‌ها، احکام، اجازات شرعی و نامه‌ها). تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (رحمت‌الله‌علیه).
- درخشه، جلال (۱۳۸۶). گفتمان سیاسی شیعه در ایران معاصر. تهران: دانشگاه امام صادق (علیه‌السلام).
- رهبری، مهدی (۱۳۸۷). «روحانیت، انقلاب مشروطه و ستیز میان سنت و تجدد»، نشریه علمی دانش سیاسی. ۴(۷)، صص. ۹۵-۱۲۲.
- سمیعی، محمد (۱۳۹۸). نبرد قدرت در ایران: چرا و چگونه روحانیت برنده شده؟ تهران: نی.
- شهید اول، محمد بن مکی (بی‌تا). القواعد و الفوائد. قم: مکتبه المفید.
- عظیمی شوشتری، عباسعلی و میرچراغ خانی، حسین (۱۳۹۷). «چالش‌های اجتماعی - سیاسی و علل بروز و آثار آن در انقلاب مشروطه و انقلاب اسلامی»، پژوهش‌های سیاست اسلامی. ۶(۱۳)، صص. ۸۵-۱۱۰.
- علم، امیر اسدالله (۱۳۸۲). یادداشت‌های علم: متن کامل. تهران: معین.
- علیدوست، ابوالقاسم (۱۳۸۳). «قاعده نفی سبیل»، مقالات و بررسی‌ها. ۳(۷۶)، صص. ۲۵۳-۲۳۱.
- قمی، عباس (۱۴۱۴ق). سفینه البحار و مدینه الحکم والآثار. قم: اسوه.
- کاشف الغطاء، جعفر بن خضر (۱۴۲۲ق). کشف الغطاء عن مبهمات الشریعه الغراء. قم: بوستان کتاب.
- کاظم‌زاده، فیروز (۱۳۷۱). روسیه و انگلیس در ایران ۱۸۶۴-۱۹۱۴: پژوهشی درباره امپریالیسم. (منوچهر امیری، مترجم). تهران: انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی.
- کسروی، احمد (۱۳۸۸). تاریخ مشروطه ایران. تهران: نگاه.

- گروه پژوهشگر (۱۳۸۷). *مشروطه شرعی و مشروطه شرطی: بازخوانی نظریات میرزای نائینی و شیخ فضل الله نوری*. تهران: طرح فردا.
- مارتین، ونسا (۱۳۹۷). *کتاب ایران بین ناسیونالیسم اسلامی و سکولاریسم، انقلاب مشروطه ۱۲۸۵*. (محمد ابراهیم فتاحی، مترجم). تهران: نشر نی.
- مرتضی زبیدی، محمد بن محمد (۱۴۱۴ق). *تاج العروس من جواهر القاموس*. بیروت: دار الفکر للطباعة و النشر و التوزیع.
- مرشدی زاد، علی؛ کشاورز شکری، عباس و احمدپور ترکمانی، بابک (۱۳۸۹). «بسیج و اقدام سیاسی در نهضت تنباکو (۱۲۶۹-۱۲۷۰)»، *نشریه علمی دانش سیاسی*. ۶ (۱۲)، صص. ۱۷۷-۲۰۶.
- ملک افضلی اردکانی، محسن؛ عبد الهی، حمیده و تقیپور، بی بی معصومه (۱۳۹۷). «تحلیل قاعده فقهی «حرمت ولایت جائز» در فقه شیعه»، *حکومت اسلامی*. ۳ (۸۹)، صص. ۷-۳۸.
- موسوی جشنی، سید صدرالدین (۱۳۹۲). «غیریت سازی در گفتمان فرهنگی امام خمینی (رحمت الله علیه)»، *پژوهشنامه متین*. ۱ (۶۰)، صص. ۱۴۵-۱۵۶.
- میلانی، محسن (۱۳۸۵). *شکل گیری انقلاب اسلامی از سلطنت پهلوی تا جمهوری اسلامی*. (مجتبی عطارزاده، مترجم). تهران: گام نو.
- نجف زاده، مهدی (۱۳۹۵). *جابه جایی دو انقلاب: چرخش های امر دینی در جامعه ایرانی*. تهران: تیسرا.
- نراقی، احمد (۱۴۱۷ق). *عوائد الأیام فی بیان القواعد الأحکام و مهمات مسائل الحلال و الحرام*. قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.
- هایزر، رابرت (۱۳۹۰). *مأموریت در تهران*. (نعمت الله عاملی، مترجم). تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی ایران.
- هویدا، فریدون (۱۳۶۵). *سقوط شاه*. تهران: اطلاعات.
- ورعی، سید جواد و ناصری، علی اکبر (۱۳۸۹). «مبانی فقهی انقلاب اسلامی در اندیشه امام خمینی»، *فصلنامه حکومت اسلامی*. ۴ (۵۴)، صص. ۱۵۵-۱۵۸.
- یوسفی اشکوری، حسن (۱۳۸۵). «مشروطه خواهی و اجتهاد»، *فصلنامه مدرسه*. ۵ (۸۵)، صص. ۴۳-۵۴.

- Mahoney, James (2001). *Path Dependent explanations of regime change: Central america in Comparative perspective*, Studies in Comparative International Development; 36, 1; ABI/INFORM Global pg.111.
- Mahoney, James (2003). *The Comparative Historical Analysis In The Social Sciences*. Cambridge University Press.
- Ragin, Charles (2000). *Fuzzy-Set Social Science*. University of Chicago Press.
- Saeed, Edward (1978). *Orientalism*. London: Routledge & Kegan Paul.
- Van Dijk, Teun (2002). *Ideology and Discourse; A Multidisciplinary Introduction*. www.discoursr.org, Retrieved on 1/2/2020.